

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش  
شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۲، ویژه علوم سیاسی

## شاخص‌های حاکم و زمامدار در نظام سیاسی پیشرفته از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۹

تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۳۰

رقیه جاویدی\*

### چکیده

موضوع مقاله حاضر، شاخص‌های حاکم و زمامدار در نظام سیاسی پیشرفته از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، با رعایت شاخص‌هایی توسط ارکان و نهادهایش، نظام سیاسی پیشرفته تلقی خواهد شد. مهم‌ترین و عالی‌ترین نهاد در این نظام، رهبری ولی فقیه به عنوان حاکم و زمامدار است. اگر در نظامی، بالاترین مقام در رأس، شاخص‌های برجسته و متعالی داشته باشد، بقیه نهادها را به صلاح و راه درست هدایت خواهد کرد. امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، برای رهبر نظام سیاسی پیشرفته که همان ولی فقیه است، شاخص‌های لازم و واجبی را برشمرده‌اند، از جمله «علم فقاہت و اجتهاد، صفت عدالت و تقوا، توان مدیریت». با وجود این شاخص‌ها در فردی، وی شایسته رهبری و حکومت نظام سیاسی اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: نظام سیاسی پیشرفته، ولی فقیه، امام خمینی(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام roghayeh\_javidi@yahoo.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

به همه قوا وحدت و یکپارچگی می‌دهد. به عبارت دیگر، در نظام ولایت فقیه، قوای سه‌گانه تحت اشراف نقطه مرکزی نظام، یعنی ولایت فقیه قرار دارد. او هم حافظ قانون اساسی و هم مراقب است که از احکام اسلامی، ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تخلفی صورت نگیرد و نیز نقش هماهنگ‌کننده بین قوای سه‌گانه را بر عهده دارد و اگر کشور با بحران‌های شکننده رو به رو شود، وی با هدایت و تدبیر، بحران‌ها را برطرف می‌کند (همان، ص ۱۲۶-۱۲۷).

امام خمینی(ره)، درباره این نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و برتری آن از نظام‌های دیگر می‌فرماید:

اسلام بنیان‌گذار حکومتی است که در آن نه شیوه استبداد حاکم است که آراء و تمایلات نفسانی یک تن را بر سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانین باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی آن وضع می‌کنند؛ بلکه حکومت اسلامی نظامی است ملهم و منبعث از وحی الهی که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد به رأی نیست. تمام برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شئون و لوازم آن، جهت رفع نیازهای مردم به اجرا در می‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی، حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری و ساری است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۰-۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز معتقدند که «حکومت اسلامی و ولایت فقیه‌ی که امام(ره) آوردند و ابتکار و مطرح کردند، به همان معنای حکومت اسلامی است؛ یعنی حکومت اسلام، حکومت دین و حکومت شریعت، به همین معنا فهمیده شود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی، ۱۳۷۸/۱۱/۰۴).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

آن، که از طرف خداوند اجازه ولایت و زمامداری فقیه داده شده که در همه شئون اجتماعی افراد دخالت کند و امور جامعه را بر اساس احکام الهی اداره کند؛ ج. مقبولیت و پذیرش اجتماعی داشتن آن، که مردم و پذیرش آنان در عینیت بخشیدن ولایت فقیه، نقش اصلی را دارد (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۸۲-۸۳).

### ارکان و نهادهای نظام سیاسی ولایت فقیه

به دلیل آنکه امام خمینی(ره)، بنیان‌گذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران است، عناصر و نهادهای نظریه سیاسی امام(ره)، تا حدودی همان نهادهای دولت جمهوری اسلامی است که به دنبال انقلاب اسلامی در ایران تأسیس و استقرار یافته است (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۳). این نظام سیاسی برای ایفای وظایف و انجام رسالت خویش، ارگان‌ها و زیر مجموعه‌هایی دارد که نبود هر کدام سبب خلأ شده و نیازها و مصالح کشور تأمین نمی‌شود. از این رو، علت وجودی هر یک از ارگان‌ها، نیازی است که وجود آن را ایجاد کرده است، مانند نیاز به رهبری بر اساس قانون اسلام، قانون‌گذاری، اجرای قوانین و ضمانت اجرا که به ترتیب سبب تشکیل نهاد ولایت فقیه، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹). البته این نظام سیاسی، کارگزاران دیگری برای اداره امورش دارد، مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و غیره. همچنین مردم به عنوان ضلع سوم و اصلی این نظام محسوب می‌شوند.

#### ۱. ولایت فقیه

در اندیشه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، ولایت فقیه نیابت عام امام معصوم(ع) محسوب می‌شود که مشروعیت و اسلامی بودن نظام سیاسی دوره غیبت مبتنی بر آن است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

شخصی اندیشیده و تلاش کمتری به منافع اجتماعی دارند و حتماً نبود انگیزه قوی باعث می‌شود که تخلف‌هایی در گستره وظایف اجتماعی صورت گیرد؛ بنابراین، ضرورت دارد که فرد یا افرادی ضمانت اجرای قوانین را بر عهده گیرند که مردم را به عمل به قانون وادار کرده و در صورت تخلف، آنان را مجازات کنند؛ از این رو، وجود قوه مجریه امری لازم است و هر چند قوانین پیشرفته باشد، بدون وجود قوه مجریه، مشکل حل نمی‌شود (همان، ص ۱۲۹-۱۳۰).

در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری بودن نظام سیاسی اسلامی در دوره غیبت، جایگاه ویژه‌ای دارد و از این لحاظ، به نظر آنها، نهاد ریاست جمهوری، عالی‌ترین نهاد مردم‌سالاری اسلامی است؛ چرا که نظام جمهوری مطابق شرایط و ضرورت‌های جامعه و جهان است و نیز تنها نظام مشروع شیعه در دوره غیبت، نظام جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی ملت است (فیرجی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹-۲۵۰).

### ۳. قوه مقننه

ضرورت قوه مقننه، لزوم قانون‌گذاری است. در نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، مجلس شورای اسلامی جزء ارکان اساسی نظام سیاسی ولایت فقیه‌ی در دوره غیبت است و وظیفه قانون‌گذاری به وسیله این رکن انجام می‌شود. در واقع، قوه مقننه وظایف دوگانه‌ای دارد: برنامه‌ریزی و وضع مقررات قانونی لازم‌الاجرای احکام اسلامی؛ وضع قوانین بر اساس نیازهای ملی، به گونه‌ای که مخالف با احکام مقدس اسلام نباشد. نکته مهم در وضع قوانین این است که به حقیقت اسلام عمل شود و اضطرار و مصلحت مردم نیز در نظر گرفته شود (رک. همان، ص ۲۵۲-۲۵۴). به همین دلیل، در نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره)، مجلس شورای اسلامی، بالاترین مقام در کشور و نیز عصاره زحمات‌های طاقت‌فرسای مردم دانسته



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تأسیس کرد. این مجمع بر اساس در نظر گرفتن مصلحت نظام سیاسی و مردم، رأی و نظر خود را صادر می‌کند.

#### ۷. مردم

ضلع سوم و اصلی نظام سیاسی اسلامی، مردم هستند. مقبولیت و مشروعیت و حفظ یک نظام سیاسی اسلامی در گرو مردم و رضایت آنها از نظام است.

#### ضرورت ولایت و حکومت فقها در زمان غیبت

حکومت امری اجتماعی است که نیاز جامعه به امنیت و حفظ حقوق افراد و رواج عدالت، وجود آن را ضروری کرده است. جامعه اسلامی نیز مانند جوامع بشری دیگر، نیازمند برقراری نظم و قانون‌گذاری برای حفظ امنیت و حقوق و رواج عدل در میان افراد جامعه است (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۵۸)؛ بنابراین، مردم در هر مکان و زمانی به حکومتی نیاز دارند که قوانین را اجرا کند تا هدف از تنظیم قوانین تحقق یابد و امورشان اداره شود. امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه خود در این باره تصریح می‌کند که سنت و روش پیامبر اکرم (ص) که خود تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین، برقراری نظام اسلامی و اداره جامعه اقدام کرد و نیز به دستور خدای متعال برای پس از خود حاکم تعیین کرد، دلیل ضرورت داشتن تشکیل حکومت برای هر جامعه‌ای و استمرار آن در هر زمان و مکانی است (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۸).

همان طور که بیان شد، لزوم تشکیل حکومت، به زمان وجود پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومان (ع) و عصر غیبت اختصاص ندارد؛ چرا که «ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه (برای نمونه: ابراهیم، ۵۲؛ یونس، ۲؛



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

صلاحیت دارند که در امور مسلمانان بر اساس مصلحت آنان دخالت کنند و برای آنان تصمیم‌گیری کنند. از طرف دیگر، حکومتی که فقها تشکیل می‌دهند و قانونی که وضع می‌کنند، ناشی از ولایت امام(ع) و تحت مسئولیت ایشان خواهد بود و آنان جانشینان امام و قائم مقام او در شؤون حکومتی و امینان او بر حلال و حرام هستند؛ از این رو، زنده نگه‌داشتن سنت، برطرف کردن بدعت، حفظ شریعت و سرپرستی امت به عهده آنان است (صافی گلپایگانی، بی‌تا). در واقع، این ولایت، همان حکومت مشروعی است که از زمان پیامبر اکرم(ص) بوده و همچنان استمرار خواهد داشت و بر مکلفان واجب است که از آن اطاعت کنند و این است معنای گفتار امام(ع) در توقیع شریف که: «پس آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا هستم» (به نقل از همان).

این دلیل عقلی را می‌توان به طور مختصر و با مقدمات زیر این گونه بیان کرد: ۱. مطابق جهان‌بینی توحیدی، حاکمیت معقول و مقبول، حاکمیت مطلق خداوند است؛ ۲. حکومت اسلامی فقط ابزار اعمال حاکمیت اسلامی است (اصل لزوم سنخیت بین نوع حاکمیت (نفس قدرت) و نوع حکومت (ابزار اعمال حاکمیت)؛ ۳. هر حکومتی به حاکم و رهبری شایسته نیاز دارد؛ ۴. حکمت الهی، تعیین پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) از سوی خداوند به عنوان رهبر برای تبیین، تأمین و تضمین قوانین الهی را ایجاب کرده است؛ ۵. در عصر طولانی غیبت و عدم دسترسی به معصوم(ع) نیز تعیین نزدیک‌ترین افراد به معصوم (در دو ویژگی مهم علم و عمل) به عنوان نایب و جانشین معصوم، بر اساس حکمت الهی، ضرورت دارد؛ ۶. فقیهان شایسته وارسته، در این دو ویژگی از دیگران به امام معصوم(ع) نزدیک‌ترند. در نتیجه، رهبری و ولایت فقیهان جامع الشرایط به مقتضای حکمت الهی در عصر غیبت ثابت است (جوان آراسته، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵-۱۹۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جامعه است. بنابراین، ولایت فقیه، یعنی تدبیر و حاکمیت فردی که با مراجعه به منابع اسلامی، قدرت استنباط احکام اسلامی را دارد و دارای صفات و شایستگی‌هایی همچون عدالت و توانایی مدیریت و اداره امور جامعه است (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹). به عبارت دیگر، ولایت فقیه، به معنای «اداره البلاد و ساسة العباد» است و هرگز به معنای قیمومیت یا حاکمیت اراده مطلق فقیه نیست؛ همان طوری که ولایت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیز به چنین معنایی نبوده است. ولایت پیامبر اکرم (ص) برخاسته از مقام نبوت ایشان بود و همین مقام نبوت و شریعت او، ولایت ایشان را در همان قوانین شرع محدود می‌کرد. ولایت فقیه نیز از مقام فقاہت او برخاسته و فقاہت آن را محدود می‌کند (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

به این ترتیب، می‌توان گفت که محوری‌ترین و اساسی‌ترین معنای ولایت فقیه، مهندسی نظام اسلامی و حفظ جهت الهی آن و نیز جلوگیری از انحراف به چپ و راست است. در این راستا، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه نیز سرپرستی حرکت کلی نظام به سمت توسعه، پیشرفت و هدف‌های آرمانی و عالی‌اش است. بنابراین، ولایت فقیه یک مقام تشریفاتی و نمادین یا فقط نظارتی و اجرایی نیست (رک. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴). در واقع، فقاہت فقیه است که حکومت می‌کند، نه شخص یا اراده شخصی او و معنای درست ولایت فقیه، ولایت فقه فقیه است. از این رو، ولایت فقیه به معنای همان حکومت و زمامداری امور جامعه است و نوعی خدمت به جامعه اسلامی و مسلمانان محسوب می‌شود (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

## انواع ولایت فقیه

بیشتر اندیشمندان و فقها، ولایت فقیه را به دو قسمت ولایت مطلقه فقیه و ولایت مقیده فقیه تقسیم کرده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

در همه احوال را رعایت کند تا دستورهای او توسط مردم پیروی و اطاعت شود (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۳۴-۳۵؛ همان، ۱۳۶۹، ص ۳۵).

نظریه ولایت مطلقه فقیه یا ولایت عامه، بحث جدیدی نیست که فقط توسط امام خمینی (ره) مطرح شده باشد. نخستین گام در دوره غیبت برای اثبات نیابت فقیه از امام زمان (عج) را شیخ مفید برداشته است (جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ۱۳۸۸، ص ۵۰). پس از شیخ مفید، فقهای بزرگی، مانند ابن ادریس حلی در السرائر، شیخ طوسی، دیلمی، فاضل و شهیدین نیز این نظریه را مطرح کرده‌اند و در میان فقهای متأخر، شخصیت‌های برجسته‌ای، مانند علامه شیخ محمدحسن نجفی (صاحب جواهر الکلام)، علامه کاشف الغطاء، علامه نراقی، میرزای بزرگ شیرازی، بحرالعلوم آن را تأیید کرده‌اند (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹، ۲۲۷). امام خمینی (ره) نیز این نظریه را بسط و گسترش داد و در قالب حکومت جمهوری اسلامی آن را عملی کرد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز ولایت فقیه را جزء واضح‌ها و پذیرفته شده‌های فقه شیعه و اعتبارهای عقلایی می‌داند (رک. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی، ۱۳۷۸/۱۱/۰۴؛ بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴؛ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۰۶/۱۵؛ بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴). ایشان معتقد است:

اینکه حالا بعضی نیمه سوادها می‌گویند امام (ره) ولایت فقیه را ابتکار کرد و دیگر علماء آن را قبول نداشتند، ناشی از بی‌اطلاعی است. کسی که با کلمات فقها آشناست، می‌داند که مسئله ولایت فقیه جزء مسائل روشن و واضح در فقه شیعه است. کاری که امام کرد، این بود که توانست این فکر را با توجه به آفاق جدید و عظیمی که دنیای امروز و سیاست‌های امروز و مکتب‌های امروز دارند، مدون کند و آن را ریشه‌دار و مستحکم و مستدل و باکیفیت سازد؛ یعنی به شکلی درآورد که برای هر انسان صاحب نظری که با مسائل سیاسی روز و مکاتب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



بعضی گمان برده‌اند، این دو نوع خلافت در عرض یکدیگر قرار ندارد» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۶۱).

در مقابل طرفداران ولایت مطلقه فقیه، کسانی بر این باورند که دلیل قابل اعتمادی در دسترس نیست که بتواند نیابت عامه و ولایت مطلقه فقیه را از طرف امام معصوم(ع) در روزگار غیبت ثابت کند؛ به گونه‌ای که همه اختیارات پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) به عنوان رهبر جامعه برای فقیه ثابت شود.

این دیدگاه معتقد است که گستره اختیارات فقیه محدود است و صرفاً در امور حسبه (سرپرستی اموال یتیمان، دیوانگان و سفیه‌های بی سرپرست) (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۰) یا قضاوت و تعیین قاضی حق دخالت دارد و نه در همه امور جامعه و مسلمانان (جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

به هر حال، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت مطلقه فقیه پذیرفته و به آن تصریح شده است. در اصل پنجاه و هفتم آمده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه، که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردد. این قوا مستقل از یکدیگرند» (برای اطلاع بیشتر از شبهاتی که پیرامون اصل ۵۷ قانون اساسی مطرح شده و پاسخ آنها، رک. ارسطا، ۱۳۷۸، ص ۱۸). بنابراین، نظریه ولایت مطلقه فقیه، فقط یک نظریه سیاسی و فقهی در کنار نظریه‌های دیگر نیست؛ بلکه جوهره نظام سیاسی اسلامی و محور قانون اساسی است و مشروعیت قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه به آن بستگی دارد (جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ۱۳۸۸، ص ۴۵) و نافی مسئولیت‌های این قوا و دستگاه‌های گوناگون کشور نیست (رک. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴). در واقع، ولایت ولی فقیه هیچ قید کمی و محدوده‌ای ندارد. گستره عملکرد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

و مردم ایران درباره حفظ وحدت و یکپارچگی و دفاع از اصل ولایت فقیه، ۱۳۶۸/۱۰/۱۸؛ پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین اجلاس دوره سوم مجلس خبرگان، ۱۳۷۷/۱۲/۰۳).

امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای در نظرها و اندیشه‌های خود به شرایط و ویژگی‌های یک زمامدار و حاکم جامعه اسلامی - که همان ولی فقیه است - اشاره می‌کنند که این ویژگی‌ها در بردارنده یک حکمرانی مطلوب و پیشرفته خواهد بود. امام خمینی(ره) درباره ویژگی‌های حاکم اسلامی در کتاب البیع می‌فرماید: «حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر قانون است، آن هم فقط قانون الهی که برای اجرای احکام و بسط عدالت در سراسر جهان مقرر شده است. زمامدار این حکومت، ناگزیر باید دو صفت مهم را که اساس یک حکومت الهی است، دارا باشد و ممکن نیست یک حکومت مبتنی بر قانون تحقق یابد، مگر آنکه رهبری و زمامدار آن واجد این دو صفت باشد: علم به قانون (دانستن احکام الهی)؛ عدالت» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۹-۳۰). ایشان در بیان دلیل برای برگزیدن این دو شرط برای حاکم جامعه اسلامی معتقدند که از نظر عقلی، بدیهی است که خداوند حفظ جان، مال و سرنوشت مردم را در نظر دارد؛ پس زمامدار نادان یا ستمگار را برای مردم بر نمی‌گزیند و نیز تحقق قانون از لحاظ عقلی فقط توسط حاکم عالم و عادل امکان‌پذیر است (ر.ک. همان، ص ۳۰-۳۱).

همچنین امام(ره) در ادامه این مباحث به شاخص توان مدیریت داشتن حاکم اسلامی اشاره می‌کنند: «ویژگی کفایت و صلاحیت برای زمامدار امری ضروری است» (همان، ص ۳۰). هر چند ایشان معتقدند که این ویژگی در شرط علم به قانون به معنای وسیع آن وجود دارد (ر.ک. همان).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز شاخص‌های حاکم اسلامی و ولایت فقیه را با توجه به مکتب سیاسی اسلام، ضابطه‌های دینی و معنوی می‌داند، برعکس ضابطه کشورهای سرمایه‌داری، که وابستگی به جناح قدرتمند و ثروتمند در آنجا اصل است. به اعتقاد ایشان، شاخص زمامدار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سیاسی، فرهنگی و غیره، از جنبه عملی و عینی فقه بهره گیرد و برای مشکلات با توجه به شریعت و فقه، راه‌حل و برنامه ارائه دهد (رک). پیام امام خمینی به حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۷/۱۲/۰۳؛ به نقل از دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۵-۲۶). اگر این گونه شود و نظام بر اساس اصول محکم فقه اداره شود، جامعه رو به تعالی و پیشرفت خواهد رفت، نظام سیاسی مستقل و غیر وابسته‌ای شکل خواهد گرفت که در آن، ملت و مسئولان قدرت برخورد و مقابله با دشمنان را خواهند داشت.

شاخص فقاقت و اجتهاد حاکم اسلامی، به معنای این است که وی بتواند مسائل و احکام اسلامی را از منابع آن، یعنی کتاب و سنت و با به کارگیری معیارها و روش‌های تخصصی استنباط کند و در شناخت اسلام، قوانین و احکام آن، پیرو و مقلد دیگران نباشد. همچنین لازم است که وی در همه مسائل و احکام اسلامی مجتهد و صاحب نظر باشد، نه در بعضی از مسائل و قوانین شریعت. امام علی(ع) نیز به توانایی فقهتی ولی امر مسلمانان، علاوه بر توانایی سیاسی وی تأکید می‌کند: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ، أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ؛ همانا سزاوارترین مردم به این امر (حکومت)، نیرومندترین مردم بر آن و عالم‌ترین و داناترین آنها به فرمان خدا در امر حکومت است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳؛ رک. رجالی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴-۱۷۵). از این رو، با توجه به نوع نظام سیاسی که حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است، باید شخصی که حاکم و زمامدار آن می‌شود و در رأس این نظام قرار می‌گیرد، از قوانین و احکام شریعت آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند به بهترین وجه آنها را در جامعه به اجرا درآورد و بر اساس آنها حکومت کند. در غیر این صورت، ممکن است شخص حاکم دلسوز جامعه و کشور باشد؛ اما به دلیل ناآگاهی از شریعت الهی، برخلاف قانون و مصالح جامعه اقدام می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

خداوند (که مصدر صدور اصول اولیه‌ای است که این قوانین بر اساس آنها وضع شده است) مسئولیت دارند. به این ترتیب، ضمانت اجرای این قوانین با توجه به بعد دینی که مردم از نظر قلبی به آنها اعتقاد دارند، در مقایسه با قوانینی که اساسی غیر از مبنای دینی دارند (در نظام‌های سیاسی سکولار)، استحکام بیشتری دارد. به عبارت دیگر، این قوانین از دو بعد دینی - مذهبی و دموکراتیک الزام‌آور است (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲-۱۳۳).

## ۲. عدالت و تقوا

اسلام اهمیت ویژه‌ای به عدالت داده و یکی از شروط اساسی رهبر و زمامدار جامعه اسلامی را عدالت قرار داده است. اگر حاکم نظام سیاسی برخوردار از صفت عدالت و تقوا باشد، برای اداره امور جامعه و مردم، مصالح و منافع آنان را در نظر گرفته و تابع هوی و هوس و امیال شخصی نخواهد بود. اهل بیت(ع) نیز بر عادل بودن حاکم اسلامی تأکید کرده‌اند. پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «لَعَمَلُ الْإِمَامِ الْعَادِلِ فِي رَعِيَّتِهِ يَوْمًا وَاحِدًا أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ فِي أَهْلِهِ مِائَةَ عَامٍ أَوْ خَمْسِينَ؛ عمل یک روز رهبری که میان مردم به عدالت رفتار کند، از عمل صد یا پنجاه سال کسی که در میان اهل و عیال خود مشغول عبادت باشد، بهتر است» (به نقل از قرائتی، بی تا، ص ۱۰). همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید: «الْإِمَامُ الْعَادِلُ لَا تُرَدُّ لَهُ دَعْوَةٌ؛ هرگز دعای رهبر عادل رد نمی‌شود» (به نقل از همان).

به نظر امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر و حاکم جامعه اسلامی علاوه بر فقیه بودن، باید مزین به صفت عدالت باشد تا بر مردم ستم و ظلم نکند، حقوق آنان را تباه و ضایع نکند و از بروز فساد جلوگیری کند. امام(ره) در این باره می‌فرماید: «امر ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل راجع است و اوست که شایسته رهبری مسلمانان است» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۳۳). البته به نظر ایشان، برپایی و تشکیل حکومت اسلامی برای فقیهان عادل



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



که اگر این مسئله معنوی را از جامعه اسلامی مان سلب بکنیم ° همچنان که آن کسانی که دلسپرده به روش‌های غربی بودند و ارزش‌های غربی برای آنها اصل بود، در باب حکومت در جامعه اسلامی، می‌خواستند در سال‌های اول، به همان شیوه‌های غربی عمل بکنند... معنای جامعه اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین کننده است... اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد. اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه مردم، نمی‌تواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند؛ یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه مدیریت و دستگاه اداره کننده در یک جامعه، این قدر فوق العاده است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰).

به نظر ایشان، ولایت فقیه، بر اساس تفکر و اندیشه اسلام، به معنای حکومت دین‌شناسان عادل است (رک. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۲/۲/۳۰؛ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی). پس اگر حکومت و به تبع آن سیاست جامعه اسلامی بر مبنای فقاقت و عدالت‌محوری شکل گیرد، همان حکومت مطلوب و پیشرفته مورد نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای شکل گرفته است: «حکومت عدل، سیاست است، تمام معنای سیاست است» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۳). وجود شاخص و ویژگی فقاقت و عدالت برای حاکم نظام سیاسی، افتخاری برای آن نظام اسلامی است؛ چرا که حکومت‌های دنیا که مظهر استکبار، زورگویی و مادیگرایی هستند، ریاست و سیاست را بر اساس نیرنگ، دروغ و ظاهرسازی می‌دانند؛ اما نظام سیاسی اسلام، حکومت و سیاست را بر پایه تقوا و معنویت، ولایت، محبت و پیوند قلبی و ایمانی مشروع قرار می‌دهد و به جای همه معیارهای رایج، مانند زور، پول و تبلیغات دروغ، فقاقت و عدالت را معیار حاکم اسلامی می‌شناسد (رک. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین اجلاس دوره سوم مجلس خبرگان، ۱۳۷۷/۱۲/۰۳). بر این اساس،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن، نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد؛ بلکه یک فرد اگر اعلم به علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی، در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۷-۱۷۸).

در واقع، ایشان شاخص توان مدیریتی و بینش سیاسی را برای فقیه عادل آن قدر ضروری می‌داند که در صورت نبود این شاخص در وی، آن شخص را شایسته رهبری و زمامداری نظام سیاسی اسلام نمی‌داند؛ چرا که دیگر وی قادر به تصمیم‌گیری درست به نفع مسلمانان نخواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز دارا بودن ولی امر مسلمانان به شاخص توان مدیریتی را بسیار مهم می‌داند و آن را شرط قهری و عقلی حاکم اسلامی برمی‌شمرد؛ چرا که با وجود این شاخص است که زمامدار می‌تواند جامعه را به درستی اداره کند و به مصلحت مردم حکم دهد: «اگر فقیه عادل بخواهد جامعه را درست اداره کند، باید مدیر و مدبر باشد، جریان‌شناس باشد تا جامعه را از لغزش در پرتگاه نجات دهد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۲/۲/۳۰؛ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی) و نیز: «غیر از فقاقت و عدالت، درایت و کفایت نیز لازم است. این هم شرط قهری و عقلی است. کسی که کفایت اداره کاری را ندارد، نمی‌شود او را زمامدار کرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۶/۱۱/۱۷؛ به نقل از همان).

در واقع، وجود شاخص توان مدیریتی برای زمامدار جامعه اسلامی به قدری مهم است و اهمیت دارد که برخی علت اساسی انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان و عدم پیشرفت آنان و نبود وحدت و یکپارچگی در بین آنها را علاوه بر اینکه فقیه عادل رهبری جامعه و نظام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

می‌فرماید: «آن چیزی که می‌تواند همه ارزش‌ها را مورد نظر قرار دهد و در همه زمینه‌ها پیشرفت را شامل حال همه کند، چیزی است که در قانون اساسی و در فقه ما پیش‌بینی شده است و آن این است که یک فقیه عادل زمان شناسی در جامعه حضور داشته باشد که انگشت اشاره و هدایت او بتواند کارها را پیش ببرد» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳).

### نتیجه‌گیری

خداوند انسان‌ها را خلق کرد و برنامه سعادت ابدی آنها را توسط پیامبران برایشان روشن کرد. خدای متعال دین اسلام را که کامل‌ترین و جامع‌ترین برنامه هدایت و سعادت انسان‌ها است، توسط پیامبر خاتم، محمد(ص) برای بشریت فرستاد تا با عمل به آن به کمال و سعادت اخروی رهنمون شوند. بعد از پیامبر اکرم(ص) مسئولیت هدایت و رهبری مردم و جامعه اسلامی به امامان معصومی می‌رسد که در صفات، کمالات، لیاقت و از همه مهم‌تر عصمت، همچون خود آن بزرگوار هستند. در زمان غیبت امام عصر(عج) این مسئولیت برعهده فقها و اسلام‌شناسانی است که علاوه بر مزین بودن به صفت عدالت و تقوای کامل و بینش سیاسی و اجتماعی و توان مدیریت، فقیه نیز هستند و می‌توانند حکم و فرمان خدای متعال را از آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومان(ع) به دست آورند و جامعه اسلامی را بر اساس آنها رهبری و مدیریت کنند تا زمینه کمال، سعادت و پیشرفت مردم و جامعه فراهم شود.

امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان یک فقیه و رهبر مسلمانان، به دلیل مهم و با اهمیت بودن مسئولیت رهبر و حاکم جامعه اسلامی، برای او سه شاخص فقاقت، عدالت و تقوا و توانایی مدیریت و داشتن بینش درست سیاسی و اجتماعی قرار داده‌اند. شاخص فقاقت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آذری قمی، احمد (۱۳۷۱)، ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
۴. ارسطو، محمدجواد (۱۳۷۸)، «ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی»، اندیشه حکومت، ش ۳، شه‌ریور و مهر.
۵. امام خمینی (ره) (۱۳۶۱)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، ۲۲ جلدی، تهیه و جمع‌آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: شرکت سهامی عام.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)، شئون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مباحث ولایت فقیه از کتاب البیع، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، ولایت فقیه، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، صحیفه انقلاب: وصیت‌نامه سیاسی و الهی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره)، قم: روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۲)، مبانی حکومت اسلامی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب.
۱۰. جمعی از نویسندگان مجله حوزه (۱۳۸۸)، حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه امام خمینی، قم: بوستان کتاب.
۱۱. حسینی الهاشمی، سید منیر الدین (۱۳۷۸)، جزوه «بررسی علل و عوامل ناهنجاریهای اجتماعی»، سند اولیه بایگانی در فرهنگستان علوم اسلامی، جلسه ۷ (۱۳۷۸/۱۰-۱۳).
۱۲. خالقی، علی (۱۳۸۳)، «نظام سیاسی شیعه در اندیشه شیخ مفید»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفتم، ش ۲۷.
۱۳. دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۴. رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۹)، ولایت فقیه در عصر غیبت، چاپ دوم، قم: انتشارات نبوغ.
۱۵. سی‌دی حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای)، ویرایش ۲، تهران: مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۱۶. شیرازی، سید محمد (آیت‌الله مجاهد) (بی‌تا)، نقش مدیریت در پیشرفت ملت‌ها، ترجمه علی کاظمی، تهران: نشر میثم.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (آیت‌الله) (۱۳۷۶)، «ضرورت حکومت یا ولایت فقیه در عصر غیبت»، فصلنامه حکومت اسلامی، ترجمه سید حسن اسلامی، ش ۴.
۱۸. ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸)، حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران: دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی